اخبار

موضع رسمی‌ای اف سی درباره سپاهان - الاتحاد

فقط کمیته انضباطی درباره نتیجه بازی تصمیم می‌گیرد

رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام کرد از توافق مسئولان ایرانی و عربستانی برای تکرار دیدار سپاهان و الاتحاد اطلاعی ندارد.

به گزارش ورزش سه، بحث و گمانه‌زنی درخصوص تعیین تکلیف دیدار برگزار نشده سپاهان و الاتحاد ادامه دارد. پس از اتفاقاتی که در استادیوم نقش جهان رخ داد، باشگاه عربستانی از حضور در زمین مسابقه خودداری کرد و قرار است که کمیته انضباطی کنفدراسیون فوتبال آسیا تکلیف این دیدار را روشن کند.

الریاضیة که بزرگترین روزنامه عربستان است، تیتر یک شماره امروز خود را به این دیدار جنجالی و پرماجرا اختصاص داده است و با دبیرکل کنفدراسیون فوتبال آسیا به گفتگو پرداخته و او تمامی توافقات برای تکرار این بازی را رد کرد.

طی روزهای اخیر، وزاری امور خارجه ایران و عربستان با یکدیگر در تماس بودند تا بتوانند این موضوع را حل و فصل کنند و حتی عنوان شده بود که طرف سعودی از امیر عبداللهیان دعوت کرده است تا برای تماشای یک مسابقه فوتبال به این کشور سفر کند.

اما حالا داتو ویندزور جان مالزیایی، دبیرکل کنفدراسیون فوتبال آسیا در گفتگو با روزنامه الریاضیة توضیح داده است آن طور که برخی از مسئولان طی روزهای گذشته گفته اند، هیچ توافقی با طرف های درگیر در بازی سپاهان و الاتحاد برای تکرار این مسابقه صورت نگرفته است.

ویندزور به الریاضیة گفت: کنفدراسیون فوتبال آسیا از توافقاتی که برخی از آنها در روزهای گذشته درباره آن صحبت کرده اند چیزی نمی داند و اصلا با این مسئولان طرف حساب نیست.

او با اشاره به اینکه کمیته انضباطی به زودی مشکل این مسابقه را حل خواهد کرد، گفت: این کمیته گام به گام حرکت می‌کند و عجله‌ای برای اعلام تصمیم خود درخصوص این مسابقه ندارد و طی روزهای آینده رأی نهایی اعلام خواهد شد.

وی در پاسخ به سوالی درباره انتظاراتش از زمان اعلام تصمیم نهایی کمیته انضباطی کنفدراسیون فوتبال آسیا، پاسخ داد که امیدوار است این موضوع قبل از آغاز دور سوم مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا که قرار است از ۲۳ اکتبر (اول آبان) آغاز گردد، حل شود.

پایان رویای قهرمانی اینترمیامی با مسی

خداحافظی لئو با هواداران!

تیم فوتبال اینترمیامی صبح امروز در حضور لیونل مسی با نتیجه یک بر صفر نتیجه را به سینسیناتی واگذار کرد و از صعود به مرحله پلی‌آف بازماند.

به گزارش ایرنا، تیم‌های اینترمیامی و سینسیناتی در چارچوب رقابت‌های لیگ فوتبال آمریکا صبح امروز مقابل یکدیگر قرار گرفتند که در نهایت این دیدار با برتری یک بر صفر سینسیناتی به پایان رسید.

لیونل مسی ستاره آرژانتینی تیم فوتبال اینترمیامی به دلیل مصدومیت چهار دیدار قبلی این تیم را از دست داده بود و بدون تردید مهم‌ترین نکته این بازی بازگشت مسی به میادین بود، اما با نظر جراردو مارتینو، فوق ستاره آرژانتینی در ترکیب اصلی دیدار مقابل صدرنشین لیگ فوتبال آمریکا قرار نداشت و در دقیقه ۵۵ وارد بازی شد.

تک گل این دیدار را آلوارو بارئال در دقیقه ۷۸ به ثمر رساند و به رویای اینترمیامی برای صعود به مرحله پلی‌آف مسابقات این فصل پایان داد.

اینتر میامی با این شکست دیگر شانس حضور در پلی آف لیگ برتر آمریکا را برای این فصل از دست داد و همچنین این اولین شکست آن‌ها در حضور مسی بود و به این ترتیب رکورد شکست‌ناپذیری این بازیکن با این تیم هم از دست رفت و باید دید که اوضاع برایش در ادامه به چه شکل پیش خواهد رفت.

اینتر میامی با مسی در ۴ ماه آینده در مسابقه‌ای شرکت نخواهد کرد. مسی بعد از حذف شدن با هواداران خداحافظی کرد و چهره بسیار ناراحتی داشت.

واقعیت ورزش در امتحان هانگژو

از کیفی‌سازی تا جوانگرایی، از سرمایه‌گذاری تا زیرساخت

بازیهای آسیایی برای ورزش آسیا و کشورهای آسیایی به نوعی یک المپیک کوچک محسوب می‌شود. المپیکی که متر و معیار اندازه‌گیری کیفیت و کمیت ورزش در قاره پهناور است و کشورها در آن خود را در بوته نقد و آزمایش قرار می‌دهند.

کمیته‌ملی المپیک جوان سازی کاروان را نیز هدف قرار داد و با همکاری فدراسیون‌های ورزشی کوشید تا کاروانی را به هانگژو اعزام کند که عمده نفرات آنها ورزشکاران جوانی هستند که در ابتدای مسیر قهرمانی خود قرار دارند

به گزارش خبرآنلاین، بازیهای آسیایی یک امتحان واقعی برای کشورها که مابین المپیک، خود را بسنجند که کجا ایستاده‌اند. ورزش ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. کاروان ورزش ایران نیز در بازیهای آسیایی همواره یک مدعی جدی بوده که جزو قدرتهای طراز اول و مهم قاره پهناور محسوب می‌شود. در بازیهای آسیایی هانگژو اما کاروان ایران با ادوار پیشین تفاوت‌های آشکاری دارد.

در وهله نخست در دوره اخیر بازیهای آسیایی کمیته المپیک در جهت کوچک‌سازی کاروان در ابعاد تیم‌های اعزامی و حتی کادر سرپرستی حرکت نموده و با کاهش ۱۵۰ نفره کاروان نسبت به دور گذشته تلاش کرد تا در این مسیر گام بردارد و همین امر سبب شد تا با نگاه منطقی و اصولی تعداد قابل توجهی از رشته‌ها که در سپهر ورزش آسیا و جهان جایگاهی ندارند، از حضور در این آوردگاه مهم بازبمانند، چه آنکه کمیته ملی المپیک برخلاف ادوار پیشین قصد نداشت تا توریست به این رقابتها اعزام کند. نتیجه این سیاست اصولی کاهش تعداد نفرات کاروان بود. اگرچه در میان کاروان اعزامی در برخی از رشته‌ها نیز انتظارات برآورده نشد و نتایج مطابق انتظارات نبود اما در کاروان اعزامی دیگر خبری از توریست نبود.

در کنار موارد فوق، کمیته ملی المپیک جوان‌سازی کاروان را نیز هدف قرار داد و با همکاری فدراسیون‌های ورزشی، کوشید تا کاروانی را به هانگژو اعزام کند که عمده نفرات آنها ورزشکاران جوانی هستند که در ابتدای مسیر قهرمانی خود قرار دارند و علاوه بر کیفیت لازم، در این آوردگاه مهم تجربه‌ای بس ذی‌قیمت توشه راهشان شود. نفراتی که تا سالهای آتی بتوانند در میادین جهانی به ویژه المپیک برای ورزش ایران افتخارآفرینی کنند. درحقیقت کمیته المپیک کسب مدال به هر قیمتی را نمی‌خواست بلکه با یک رویکرد درست و اصولی نگاه ویژه‌ای به بحث پشتوانه‌سازی داشت تا ورزش ایران در این آوردگاه مهم ستاره‌های جدیدی را نیز شناسایی کند. اتفاقی که در کشتی، اسکیت، دوومیدانی، دوچرخه سواری، واترپلو، هندبال، تکواندو و... رخ داد و عمده نفرات اعزامی نه ستاره‌های به انتهای خط رسیده، بلکه جوانانی بودند که در ابتدای راه ورزشی و بلوغ حرفه‌ای خود قرار دارند. سیاستی که آینده ورزش ایران را بیمه خواهد کرد و نتیجه آن در سالهای آتی به ویژه المپیک بارور خواهد شد.

کمیته المپیک در حد توان برای هانگژو تدارکات مفصلی داشت. از سرکشی مرتب به اردوهای ورزشکاران و تیم‌های ملی گرفته تا رسیدگی به امور جاری و برخی دغدغه‌های قهرمانان و ورزشکاران و در کنار آن پرداخت منظم و کامل بودجه مصوب به فدراسیون‌های ورزشی تا پیش از هانگژو ازجمله اقدامات مثبت کمیته ملی المپیک در سال بازیهای آسیایی بود تا ورزشکاران و کاروان ایران بدون کوچکترین دغدغه و با آمادگی کامل راهی هانگژو شود.

نباید فراموش کرد که تیم مدیریتی کمیته ملی المپیک کمتر از یک سال است که عنان کار در دست گرفته و در بدو ورود باید ورزش ایران را برای بازیهای آسیایی تجهیز می کرد و در همین مدت کوتاه کم از کار نگذاشته، اگرچه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در بحث ورزش نیازمند یک بازه زمانی حداقل ۴ ساله است و پس از آن می‌توان عملکرد یک تیم مدیریتی را سنجید و به آن نمره داد. درحقیقت تیم فعلی کمیته المپیک ناگزیر از حرکت بر روی مسیری بود که تیم سابق کمیته المپیک با دیدگاه و تفکرات مختص خود آن را ریل گذاری کرده بودند و از همین رو نمی توان تمامی آنچه را در هانگژو اتفاق افتاده به تیم فعلی نسبت داد.

از سوی دیگر ورزش در آسیا با حرکتی شتابان رو به جلو پیش می رود و کشورهای آسیایی جملگی روی ورزش سرمایه گذاری های وسیع و گسترده ای کرده اند. کشورهایی از جنوب آسیا، آسیای میانه و غرب آسیا که تا پیش از این در ورزش، محلی از اعراب نداشتند اما با سرمایه گذاری و برنامه ریزی دقیق و گسترده در این سالها به سرعت برق و باد جلو رفته‌اند. جملگی در این سالها به ورزش به شکل جدی پرداخته اند و طبیعی است با این حجم از سرمایه گذاری که در ورزش کرده‌اند حالا در آسیا و جهان حرف هایی برای گفتن داشته باشند. از همین رو اگر در گذشته ورزش آسیا تنها به سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی ختم می‌شد و ایران با این ابرقدرتهای دنیای ورزش رقابت می کرد، حالا باید با قدرتهای نوظهوری بجنگد که به مدد سرمایه گذاری کلان و برنامه‌ریزی دقیق و عملی در ورزش سری در میان سرها درآورده و حرفی برای گفتن دارند.

پاسخ بزرگ‌ترین گزینه جانشینی عطایی به پیشنهاد ایران

یکی از مشهورترین سرمربیان والیبال دنیا و بزرگ‌ترین کاندیدای حضور در تیم ملی پاسخ پیشنهاد احتمالی ایران را داد.

گزارش ورزش سه، والیبال ایران کابوس‌وارترین دوران خود را طی یک دهه اخیر تجربه می‌کند. چهاردهمی در لیگ ملت‌ها، ناکامی در قهرمانی آسیا مقابل هزاران هوادار ارومیه‌ای و درنهایت عملکرد فاجعه بار در انتخابی المپیک که باعث شده شانس والیبال ایران برای حضور در پاریس به کمترین میزان ممکن برسد.

بعد از شکست مقابل جمهوری چک بود که بهروز عطایی رسماً از هدایت تیم ملی والیبال ایران استعفا داد و از همان لحظه شایعات و گمانه‌زنی‌ها در مورد سرمربی بعدی والیبال ایران به اوج خود رسیده است. اما به نظر می‌رسد محبوب‌ترین گزینه در بین هواداران ایرانی ویتال هاینن است. مربی مشهور بلژیکی که خودش نیز چند باری برای حضور در ایران ابراز علاقه نشان داده و می‌توان گفت که بزرگترین گزینه جانشینی بهروز عطایی در تیم ملی است.

به همین بهانه گفت‌وگویی با این سرمربی بزرگ بلژیکی دنیای والیبال ترتیب دادیم که اینجا مشروح صحبت‌های ویتال هاینن را می‌خوانید.

● آقای هاینن از وضعیت این روزهای والیبال ایران خبر دارید. اوضاعمان اصلا خوب نیست.

◀ بله کم و بیش در جریانم. در مورد نتایج اخیر تیم ملی والیبال ایران باید بگم که الان نمیشه قضاوت کرد.

در مقدماتی المپیک بازی‌ها در ۹ روز انجام میشه. باید ببینید خوب بازی می‌کنین یا نه، دیدین که آلمان و بلژیک چی کار کردن. وقتی خوب بازی کنین همه چیز خوب پیش میره، همه چیز خیلی خیلی سریع پیش میره، در یه تورنمنت فرصت جبران ندارین.

● و حالا به نظر می‌رسه که تیم ملی والیبال ایران برای رفتن به المپیک شانس خیلی کمی داره!

◀ باید بگم که درست میگی، شرایط زیاد مساعد به نظر نمیاد، فکر می‌کنم الان ۵۰ امتیاز از صربستان در جدول رنکینگ پایین تر هستین، دیگه سرنوشتتون دست خودتون نیست، چون تغییر در این اختلاف دیگه دست ایران نیست و بستگی به نتایج صربستان داره؛ اگه اونا خوب کار کنن، خب مسلما شما شانسی ندارین، بنابراین انتخابی المپیک دیگه دست شما نیست. قبلاً هم با خودت حرف زدم و گفتم که امسال سال تعیین کننده‌ای برای تیم هاست.

● حتماً هم در جریان هستید که آقای عطایی بعد از بازی مقابل چک استعفا داد.

◀ استعفای آقای عطایی نشون میده که او مسئولیت این نتایج رو قبول کرده، نمیدونم که الان زمان درستی برای این کار بود یا نه، میشه درباره اش بحث کرد اما اگه ایشون احساس کرده که باید استعفا بده، باید بپذیریم. اما همین نشون میده که او کسی نیست که خودش رو بی تقصیر بدونه، همین استعفا یعنی ایشون مسئولیت رو برعهده گرفته. واقعا لحظه سختیه.

● در مورد خودتون صحبت کنید. آیا حاضرید به ایران بیاید و هدایت تیم ملی رو در این مقطع به عهده بگیرید. سوال مهم‌تر اینکه می‌تونید با این وضع کمک کنید بریم المپیک؟

◀ چه سوال سختی(با خنده)؛ من همیشه گفتم که ایران و لهستان کشورهایی هستن که والیبال در اون‌ها زنده است، شما بازیکنان جوان فوق العاده ای دارین، در والیبال روحیه بالایی دارین، به همین خاطر فکر می‌کنم هر کسی دوست داره مربی ایران باشه، اما همونطور که گفتم شرایط شما در حال حاضر با مربی دیگه تغییر نمیکنه، بلکه به نتایج تیم‌های دیگه بستگی داره. بنابراین هیچ مربی نمیتونه تضمین کنه که شما رو به المپیک می‌رسونه، باید همه جوره بهتون کمک بشه، در همه زمینه ها باید شرایط فراهم بشه، بنابراین فقط خوب بازی کردن شما مهم نیست، نتایج تیم‌های دیگه هم مهم هستن.

● این هم می‌دونید که چقدر اینجا محبوب هستید.

◀ چی میتونم بگم؟ واقعا باعث افتخارمه که ایرانیان به من باور دارن، فکر می‌کنم این یه احساس متقابله، چون من وقتی ایران بودم، برای مردم واقعا احترام قائل بودم و فکر میکنم مردم هم اون حس رو به من برگردوندن، این چیزیه که در زندگی یاد گرفتیم، یاد گرفتیم که به هم احترام بذاریم و منم به مردم ایران واقعا احترام میذارم.

● یه سوال هم در مورد سعید معروف بپرسم. خیلی‌ها می‌گن اگه شما سرمربی ایران بشی به خاطر رابطه خوبت با سعید می‌تونی اون رو به تیم ملی برگردونی.

◀ در مورد سعید معروف بگم که من همیشه باهاش رابطه خوبی داشتم. همون طوری که در ویدئوی تبریک تولدش که برای خودت فرستادم گفتم، باور دارم که یه روزی باهم همکاری می‌کنیم، اما نمیدونم در چه موقعیتی. برگشت او موضوع اصلی نیست چون در نهایت تغییری ایجاد نمیکنه اما خب میتونه کمک کننده باشه.

● برگردیم سر بحث اصلی. قبول دارین ایران الان به یه سرمربی برای بلند مدت احتیاج داره؟

◀ دقیقا داری درست میگی. باید مربی بلندمدت در تیم حاضر باشه، نمیشه به یه مربی فرصت کوتاهی داد چون واقعا کار دشواریه، باید برنامه بلندمدت داشته باشین، باید مربی‌ای رو پیدا کنین تا کار کنه، وقت بذاره و بازیکنان جوان رو حتی به تیم ملی برسونه، فکر میکنم فدراسیون ایران باید این کار رو بکنه.

● و اگر نشه خودتون به ایران بیاید، کدوم گزینه رو پیشنهاد میدین؟

◀ اگه من به ایران نیام، گزینه‌های خوب زیادی در جهان هستن، همونطور که گفتم همه دوست دارن مربی تیم ملی کشوری باشن که والیبال در اون این همه طرفدار داره و زنده است.

● حتما می‌دونید که دوستتون آنتیگا هم یکی از گزینه‌های تیم ملی ایرانه

◀ بله دوست من آنیتگا یکی از گزینه‌های مربیگری تیم ملی ایران هست. افراد زیادی هستن که میتونن در لیست انتخاب قرار بگیرن و بخوان به ایران بیان، امیدوارم ایران فرد مناسبی رو پیدا کنه که بتونه بهش کمک کنه. اما آنتیگا هم در تیم ملی لهستان و بعد هم در کانادا ثابت کرده که مربی خیلی خوبیه، به نظر من هم مربی فوق العاده ایه.

خبر

فوتبال ایران و سوگواریِ «مرگ نظم»

لیگ برتر ما، جایی برای رقم خوردن شگفتی‌هاست. هر چه که در جاهای دیگر ندیده، نشنیده و تجربه نکرده‌اید، اینجا وجود دارد.

به گزارش ایلنا، به جای اینکه هرسال، فوتبال قشنگ‌تر و منظم‌تر شود، با بی‌نظمی‌های بزرگ‌تری مواجه می‌شویم. ما با فدراسیونی طرف هستیم که اشتباهات محاسباتی گوناگونی دارد به همراه موفقیت‌های زودگذر اما ارکان آن هنوز در امر برنامه‌ریزی، دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. وضعیتی که تا به حال، بعد از گذشت ۲۳ دوره از لیگ حرفه‌ای باید بهتر می‌شد اما آنچه در آیینه لیگ به چشم می‌خورد، بی‌سر و سامانی است.

ما در مورد رسوایی صحبت نمی‌کنیم؛ بحث بر سر بی‌نظمی و عدم مدیریت است. شاید هم عدم توانایی در مدیریت فوتبال! با این حال، فوتبال کشورمان سال‌هاست که دنده عقب می‌رود و نه تنها پیشرفتی حاصل نشده بلکه هرسال شرایط بدتر می‌شود. در فصلی که عربستانی‌ها یک زلزله واقعی در صحرای حجاز به راه انداختند و دست روی هر بازیکنی که گذاشتند، روز بعد با پرچم و شمشیر و عبای سنتی این کشور عکس یادگاری گرفت، ما در حال سرعت گرفتن برای بازگشت به گذشته هستیم. به زمانی که زمین‌های فوتبال چمن نداشت و چمن‌ها کیفیت نداشت. حداقل در آن زمان، وضعیت فوتبال بهتر بود. بازیکنانی داشتیم که اگر امروز بازی می‌کردند، میلیاردها تومان ارزش مادی داشتند. دیگر نمونه‌ای مثل ناصرمحمدخانی، احمدرضا عابدزاده، علی پروین، فرشاد پیوس، مجید نامجومطلق، عبدالعلی چنگیز، ناصر حجازی و... در فوتبال دیده نشد اما آنها از نسل زمین خاکی و امکانات فاجعه‌بار بودند و امروز که کیفیت فوتبال به حالت انفجار رسیده، لیگ برتر ما با دلایل مختلف تعطیل و تعدیل می‌شود.

غصه‌های فوتبال را بشمارید؛ لیگی که استادیوم به اندازه همه تیم‌هایش ندارد. همین امر، بدترین اتفاق برای ورزش یک مملکت است. هر چند دولت تلاش کرده در این یکی، دوسال، امکانات فوق‌العاده‌ای در اختیار اهالی ورزش قرار دهد اما وضعیت نابسامان همچنان ادامه دارد که شاید این موضوع به خاطر حضور همراه با لجبازی برخی از مدیران چسبیده به فوتبال است. حالا باشگاه‌هایی که ورزشگاه دارند، با مشکلات عجیب‌تری مواجه هستند. موضوع مس رفسنجان و استادیوم اختصاصی این تیم را بار دیگر مطالعه کنید. روی قنات، ورزشگاه ساخته‌اند! مشهد که یکی از مدرن‌ترین ورزشگاه‌های ایران را در اختیار دارد، فاقد تیم در لیگ برتر و لیگ یک است و استان‌های لیگ برتری، استادیوم بدون چمن مناسب در اختیار دارند. در این فوتبال، VAR هم نداریم. امیدی هم برای تجهیز لیگ به VAR دیده نمی‌شود. می‌گویند گران است و توانایی خرید ابزار و علم استفاده از آن وجود ندارد. بعد از این ماجراها، جواد خیابانی در یک برنامه زنده تلویزیونی شایعه‌ای مطرح می‌کند مبنی بر اینکه برخی دوست ندارند در فوتبال ایران پای سیستم‌های جدید باز شود تا بتوانند نتایج را مدیریت کنند. آن هم از وضعیت داوری‌هاست. هر هفته باید بنشینیم و بابت اشتباهات بچگانه تعدادی از داوران «متعجب» شویم. قبلاً بر سر آفساید و خطاهای میانه میدان اشتباهات بیشتر بود و حالا بر سر پنالتی‌های واضح دعواست. بارها به چینش داوری دست زده شد، لیست‌ها را جابه‌جا کردند اما آب از آب تکان نخورده و اشتباهات پا برجاست.

لیگ برتر ما، جایی برای رقم خوردن شگفتی‌هاست. هر چه که در جاهای دیگر ندیده، نشنیده و تجربه نکرده‌اید، اینجا وجود دارد. یک هالیوود عالی و مهم‌تر از آن، یک دانشگاه برای آموزش مدل عجیبی از برنامه‌ریزی و مدیریت. کسی زورش به فدراسیون و سازمان لیگ هم نمی‌رسد که اعتراض‌ها را به سمت دستاوردهای مثبت ببرد. این فوتبال، سوگوار «مرگ نظم» شده و بعید است بزودی به ریل اصلی خود بازگردد. در روزهایی که سایر لیگ‌های دنیا مثل ساعت‌های سوئیسی کار می‌کند، تجربه بی‌نظمی و بی‌سروسامانی در لیگ ایران، قابل هضم نیست اما آیا مسئولان امر، این مسائل را نمی‌دانند؟

این فوتبال، فاقد برنامه‌ریزی صحیح است. تصور کنید به خاطر حضور تیم امید در بازی‌های آسیایی هانگژو، لیگ را تعطیل کردند! تیم امید هم در آن تورنمنت، یک آبروریزی بزرگ بر جای گذاشت و به خانه برگشت. حالا نه تنها بازی تیم‌هایی که بازیکن به امید داده بودند لغو شد، بلکه همه دیدارها رفت روی هوا. ماه قبل، چند بازی در لیگ برگزار شد؟ این ماه قرار است چند بازی برگزار شود؟ حالا فاجعه واقعی را باید از لابلای حرف‌های سهیل مهدی کشف کرد: «احتمالاً لیگ امسال تا مرداد سال آینده ادامه پیدا می‌کند!» و این یعنی حدود ۱۲ ماه باید منتظر بمانیم تا شاید قهرمان لیگ معرفی شود!

سورپرایز آبی‌ها در رختکن برای سرمربی

جشن خاص ۴۳ سالگی فرمانده استقلال

سرمربی استقلالی‌ها شمع ۴۳ سالگی را پس از رسیدن به صدر جدول با تیم محبوبش، فوت کرد.

به گزارش ورزش سه، ۱۶ شهریور عددی است که روی شناسنامه جواد نکونام جلوی تاریخ تولدش نقش بسته اگرچه تاریخ تولد واقعی او ۱۶ مهر است. خانواده نکونام در زمان تولد فرزندشان تصمیم گرفتند او را یک ماه بزرگ‌تر کنند تا یک سال زودتر به مدرسه برود و همین باعث شده تا خصلت سرعت در موفقیت در شخصیتش شکل بگیرد.

او به همه چیز خیلی زود رسید، ۱۶-۱۷ سالگی در حالی که پاس ستاره‌های درخشان و باتجربه‌ای در خط هافبک داشت اما شماره ۶ را بالاخره از آن خود کرد و توانست یکی از بهترین بازیکنان تاریخ این باشگاه شود. او در همان ۱۷ سالگی به تیم ملی دعوت می‌شد اما پشت خط ستاره‌های تیم ملی قرار می‌گرفت تا اینکه در سال ۲۰۰۰ و در مسابقات غرب آسیا اولین بار پیراهن تیم ملی را برتن کرد در زمانیکه جوانان جای زیادی در تیم‌ها نداشتند و اعتقاد خاصی به فرصت به بازیکنان کم سن و سال نبود.

در ۲۲ سالگی همراه با تیم ملی در مسابقات بوسان قهرمان شد و یک سال بعد با پاس قهرمانی در لیگ برتر را جشن گرفت و به لیگ قهرمانان آسیا صعود کرد. درخشش او در لیگ قهرمانان آسیا و زدن ۴ گل در مرحله گروهی باعث شد تا بشیکتاش ترکیه و کایزرسلاترن آلمان به او پیشنهاد رسمی بدهند اما نکونام راه دیگری را در ذهنش ترسیم کرده بود، او ابتدا به الوحده و سپس به الشارجه رفت و توانست نامش را بیشتر سر زبان‌ها بیندازد.

پس از اینکه نکونام توانست با تیم ملی در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶ بدرخشد و از عوامل اصلی صعود بود، پیشنهاد هرتابرلین آلمان و اوساسونا اسپانیا به دستش رسید اما ترجیح داد تا مسیر متفاوتی از مهدی مهدوی‌کیا، علی دایی، وحید هاشمیان، خداداد عزیزی و کریم باقری در پیش بگیرد و به بهترین لیگ جهان در آن روزها برود.

لیگی که رئال مادرید و بارسلونا در آن آقایی می‌کردند و ستاره‌های بزرگی چون مسی، کاناوارو، راموس، کاسیاس، دیوید بکهام، رونالدو، ژاوی و اینستا و ... در آن شاغل بودند. نکو قرارداد دو ساله با اوساسونا امضا کرد اما شش سال در این باشگاه ماند و در ۱۴۹ بازی ۲۴ گل زد. گل در دقیقه ۱۲۰ دیدار با بوردو فرانسه شاید یکی از مهم‌ترین گل‌های تاریخ این باشگاه باشد که توانست این تیم را به جمع ۱۶ تیم برتر اروپا ببرد و البته ماجراجویی‌های اوساسونا تا جمع چهار تیم ادامه داشت و در نهایت باخت مقابل سویا، امپراطور لیگ اروپا آن‌ها را از رسیدن به فینال باز داشت.

نکو پس از شش سال حضور در اوساسونا به تیم محبوب خانوادگی‌اش آمد و گل قهرمانی را در اهواز برابر فولاد زد، فولادی‌که بخش عظیمی از سرنوشت او را شامل شد. او اما پس از استقلال در الکویت بازی کرد و دوباره به اسپانیا با اوساسونا بازگشت. حضور کوتاه او در اوساسونا و بازگشتش با پیراهن سایپا به فوتبال ایران او را کم کم به روزهای پایانی فوتبال می‌رساند، تا اینکه به العربی قطر رفت و پس از چند ماه تصمیم به خداحافظی گرفت.

کاپیتان تیم ملی که همیشه مورد ستایش سرمربیان خود بوده و همبازیانش از پشتکار و دیسیپلین او صحبت می‌کردند با ۱۵۱ بازی ملی از این حیث در فوتبال ایران رکورددار است و خیلی زود با تصمیم کارلوس کی‌روش سرمربی وقت تیم ملی به کادرفنی پیوست اما این حضور طولانی نبود.

پیش از دیدار روز گذشته، استقلالی‌ها این کیک را برای تولد سرمربی خود سفارش دادند، گویی مطمئن بودند که برد مال آن‌هاست. کیکی با یک تاج و دو ستاره.

نکو که همیشه دوست دارد خودش نفر اول باشد با خونه به خونه پا به دنیای سرمربیان گذاشت و خیلی زود پس از نتایج درخشان و با توجه به اختلافاتش با مالک باشگاه، به نساجی رفت و در حالی که صعود این تیم یک معجزه می‌خواست اما معجزه‌گر شد و این باشگاه را پس از ۲۴ سال به سطح اول فوتبال ایران باز گرداند. او در لیگ برتر نیز با نساجی مدت کوتاهی را ادامه داد و سپس از این تیم رفت و جایش را به مجید جلالی دادند.

نکو پس از آن به فولاد آمد و باشگاهی که ۷ فصل بود رنگ آسیا و قهرمانی را ندیده بود را تحویل گرفت، او در همان فصل نخست تیمش را به رده سوم رساند و سهمیه آسیایی را به هواداران هدیه داد. فصل بعد قهرمانی در حذفی و فصل بعدترش پس از چهار هفته دوری به دلیل تصمیم اشتباه مدیران باشگاه، به این تیم بازگشت و این بار سوپرجام را برای تیمش گرفت و در لیگ قهرمانان آسیا تیمش را از مرحله گروهی بالا برد.

نکونام فصل قبل خریدهای کهکشانی داشت اما اوضاع بر وفق او نبود، مشکلات عجیبی که در اهواز برایش پیش آورده بودند، او را مجاب کرده بود تا از فولاد برود.

اتحاد هواداران استقلال در ابتدای امسال باعث شد تا نکو به نیمکت استقلال برسد، در حالیکه در سالیان اخیر بارها این پیشنهاد به او شده بود اما تعهدش به فولاد و مردم خوزستان مانع شده بود تا قید تیم قرمزپوش اهواز را بزند. او پس از قبول هدایت استقلال درپنج بازی اخیر تیمش چهار برد کسب کرده و با برد امروز مقابل مس رفسنجان تیمش را به صدرجدول لیگ برتر رساند، همان چیزی که هواداران استقلال از او می‌خواهند اگرچه با دست بسته و مشکلات فراوان.

او در حالی شمع ۴۳ را فوت کرد که در این ۳-۴ ماه حضورش در استقلال، روزهای سختی را گذرانده و شاید به بهانه همین تولد دقایقی را به دور از مشکلات و شایعات از ته دل‌بخندد و با آشتی اخیری که با خطیر مدیرعامل تیمش داشته، تمرکز صد در صدی‌اش را برای موفقیت‌های بیشتر در استقلال بگذارد.

بازیکنان استقلال پس از برد و صدرنشینی که به سرمربی خود هدیه دادند، جشن کوچکی برای او در همان رختکن ترتیب دادند تا جشن تولد ۴۳ سالگی همیشه برای نکونام به یادماندنی باشد.